

# سیاست خارجی، نه ماکیاولی نه دون کیشوتی

در سیاست خارجی خود باید چنان هشیار باشیم که از وجود رقابتهای بین المللی به سود تأمین نیازمندیهای خود استفاده کنیم و محاصره نظامی و اقتصادی نشویم

نویسنده: علی اصغر حاج سیدجوادی

برخی از خوانندگان جنبش پرما ایراد گرفتند که چرا رژیم کنونی افغانستان را به ریاست تره کی رژیم مترقی گفته ایم، در حالی که این رژیم کمونیستی و دست نشانده شوروی است. با این ایراد بطور کلی مسئله سیاست خارجی رژیم انقلابی ایران مطرح می شود و جنبه های گوناگون آن. سیاست خارجی هر نظام دولتی جزئی از سیاست داخلی آنست، ما این مسئله را در رژیم استبدادی سابق به خوبی می دیدیم، سیاست داخلی رژیم سابق چیزی جز استبداد و خفقان نبود. این سیاست مورد تأیید آمریکا و غولهای صنعتی و سرمایه داری جهان بود.

سیاست داخلی ایران بر مبنای یک معامله و قرارداد بین رژیم و استعمار بیگانه تنظیم شده بود، یعنی رژیم با تأمین همه جانبه منافع آمریکا و سرمایه داری بین المللی خود را برای غارت ثروتهای ملی در زیر حمایت سیاسی آنها قرارداد کرده بود.

بنابراین سیاست خارجی رژیم استبدادی چیزی جز اطاعت کورکورانه از سیاست امپریالیزم آمریکا نبود، در مسیر این سیاست رژیم استبدادی با کلیه جنبش های آزادیخواهانه جهانی مخالف بود. با اسرائیل رابطه دوستانه داشت و کلیه منافع سیاسی و اقتصادی و نظامی خود را در اختیار اسرائیل و صهیونیزم بین المللی قرار داده بود. در مسیر این سیاست رژیم استبدادی از کلیه رژیمهای استبدادی و فاسد جهانی که زیر حمایت امپریالیزم غرب و سرمایه داری جهانی قرار داشتند طرفداری می کرد. در مسیر این سیاست رژیم استبدادی ایران کلیه منابع ثروت خود را در تقویت رژیمهای استبدادی و فاسد جهان بکار می برد و در این راه صندوق ذخیره امپریالیزم آمریکا بود.

به این ترتیب، سیاست خارجی یک رژیم چپ و خودکامه و فاسد طبعاً وابسته به سیاست داخلی ای است که هدف اساسی آن غارت ثروتهای ملی بر اساس زور و خشونت و عقب ماندگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی مردم می باشد. در فتنای کنونی با وابستگی های گوناگون و اجتناب ناپذیر آن و با روابط نزدیکی که در اثر پیشرفت های روز افزون علمی و فنی بین کشورها بوجود آمده است، چیزی بنام سیاست داخلی و خارجی مطلق و بدون توجه به ضرورتهای جهانی و آثار جغرافیایی در قدرتها

شماره  
۴۴



هفته نامه ۱۰ ریال

پگتنبه سوم تیرماه ۱۳۵۸

## پرونده سازی برای سازمان مجاهدین

پرونده سازی برای سازمان مجاهدین با چنان بلقدمات و زمینه ای از پیش ساخته توأم است که انعکاس آنرا حتی در اظهارات تهرانی شکجه چی ساواک هر مادگاه نیز میخوان احساسی گردد! شکجه چی کلائی در یکی از جلسات مادگاه ناگهان از نقش معلم خارج می شود و در نقش دانشمندی مجاهدین و چگونگی فتنائی را به محاکمه می کشد و با حرارت تمام از آنها می خواهد که چرا ساکت نشسته اید و درباره تصفیه های خون آلود خود چیزی نمی گویید!



در مرکزیک شاهشاهها آقای سومروا تزئینکاراگونه به زودی مهمان شما خواهند بود. کارنگارور ژهرانه تیرمیر

# سیاست خارجی، نه ماکیاوولسی، نه دون کیشوتی

پدیده از صفحه اول

دارد که اگر ما می خواهیم دارای رژیم انقلابی و غیر وابسته و مترقی باشیم باید این روابط را از شکل وابستگی بودن آن به سرمایه داری بین المللی و فروشندگان آمریکائی و انگلیسی اسلحه خارج کنیم.

خروج از مدار نفوذ امپریالیزم احتیاج به سیاست داخلی مشخص و پر قدرتی دارد که زمینه هر گونه محرومیت و همکاری عمومی و مردمی را در داخل کشور برای مقابله با تنگنا هائی که از طرف سرمایه داری و جهانی در راه انقلاب ما بوجود خواهد آمد آماده نماید.

در اینصورت در سیاست خارجی ما باید آنچنان هشیار باشیم تا بتوانیم از وجود رقابت های بین المللی در راه تامین نیازمندیهای خود و جلوگیری از محاصره شدن اقتصادی و نظامی استفاده کنیم.

و از نظر دفاع داخلی راه را بر هر گونه توطئه از طریق تجهیز توده ها بر بندیم. سیاست خارجی ما بدون تردید از طریق تنظیم دقیق سیاست اقتصادی و اجتماعی انقلابی شکل می گیرد. با نگاه دقیقی به شکل جغرافیای سیاسی منطقه به این نتیجه می رسیم که هیچ کشوری در منطقه با ایجاد یک رژیم مترقی و مستقل و متکی به نیروها و منابع خود در ایران موافقتی ندارد مگر آنکه انقلاب ایران با قاطعیت در اجرای برنامه های اقتصادی و اجتماعی و ریشه کن کردن نهادهای استعماری و استثمارگری داخلی خود را بر سیاست ابر قدرتها تحمیل کند. در اینصورت اولین ضرورت برخورد با واقعیت این است که ما در جاذبه انقلاب خود و شرایط در برگیرنده آن دچار اشتباه محاسبه نشویم.

و خیال نکنیم که این جاذبه میتواند بدون یک ساخت اجتماعی و اقتصادی انقلابی بصورت یک نیروی تعیین کننده و جهت دهنده در منطقه درآید. اگر این واقعیت ها را در نظر نگیریم سیاست خارجی ما در برابر سیاستهای ماکیاوولی ابر قدرتها بصورت سیاستهای دن کیشوتی در خواهد آمد. شناختن سیاستهای جهانی و یا دست کم گرفتن آن مهمترین عامل سقوط دولت ملی دگر مصدق بود. و اکنون در دوران انقلاب چیزی از جرم و فشار این سیاست ها بر یک سیاست مستقل و انقلابی ملی کم نشده است، توطئه های پشت پرده و خرابکاریها همچنان بقوت خود باقی است. و ما نمیتوانیم در مقابله با این توطئه ها فقط به نیروی نارضایتی های عمومی مردم متکی شویم مگر اینکه به این نیروها تشکل انقلابی همه جانبه بدهیم.

و در مقابله با سیاستهایی که ما هنوز در برخورد با وضع تازه انقلاب، کیفیت نفوذی و موضع گیری های آنها را در برابر انقلاب مشخص نکرده ایم از ایجاد تحریک های هستریک خودداری کنیم.

زیرا یک رژیم مستقل و سوسیالیستی هم میتواند برای خنثی کردن فشار نیرو های مرتجع و امپریالیستی از وجود رقابت بین ابر قدرتها برای بقای خود استفاده کند.

مسئله دیگر اینست که ما نباید سیاست خارجی رژیم انقلابی خود را در جهتی تنظیم کنیم که آثار آن بدون آنکه خود بدانیم در نهایت مورد استفاده امپریالیزم و نیرو های ارتجاعی منطقه قرار گیرد. و مهمتر آنکه سیاست خارجی هیچ دولتی نمیتواند فضای سیاسی خود را برای بازبهای تاکتیکی خود در برابر عوامل فشار خارجی و مخصوصا نیرو های ارتجاعی بین المللی بروی خود مسدود کند و خود را از هر نوع استفاده تاکتیکی به نفع جنبش انقلابی خود در جهت رویارویی با عوامل مخالف جهانی محروم نماید. ما گمان نمی کنیم که منابع دولتی تا اطلاع و آگاهیشان از شورش کونی افغانستان بر علیه رژیم تره کی بیشتر از ما باشد و همچنین دولت ما در مسئله روشهای سیاسی خود در زمینه روابط خارجی با ابر قدرتها و قدرتهای منطقه دارای آنچنان سیاست مشخص و دقیقی باشد که اکنون به این نتیجه رسیده باشد که رژیم تره کی و بقای آن در چارچوب سیاستهای سوسیالیستی خود مخالف مصالح انقلاب ایران است. مسائل سیاست خارجی آنچنان ساده نیست که بتوان به این آسانی در بدون دسترسی به منابع اطلاعاتی دقیق به نتایج مشخص برای شکل بندی های تاکتیکی و استراتژیکی خود رسید. مخالفت با رژیم تره کی به عنوان اینکه رژیم سوسیالیستی تره کی ضد اسلامی و یا تحت حمایت شوروی است اگر به تضعیف رژیم و یا نابودی آن منتهی شود آیا بدان معنی نیست که رژیم انقلابی ما دانسته یا ندانسته آب به آسیاب سیاست های امپریالیستی آمریکا و سیاستهای ارتجاعی پاکستان و عربستان سعودی ریخته است؟

اگر شورش ضد رژیم تره کی موفق شود آیا اطمینانی وجود دارد که در افغانستان رژیم ارتجاعی تازه ای با پوشش اسلامی و با تکیه بر ارتجاع منطقه و حمایت آمریکا بوجود نیاید که با مال مرز های شرقی کشور ما را در کنار پاکستان از وضع کونی خود آسیب پذیر نماید؟ در اینجا اصل مسئله سیاست خارجی ایران مطرح می شود که همانطور که گفتیم از سیاست داخلی و اجتماعی و اقتصادی ما تاثیر قاطع می پذیرد. اگر ما بخواهیم استبداد و استثمار و نفوذ سرمایه داری بین المللی و محافل وابسته به آن را در منطقه در حوزه سیاست داخلی خود سرکوب کنیم بدون تردید با مخالفت و توطئه و کوشش های گوناگون آنها رو به رو خواهیم شد. در اینصورت وظیفه ما در سیاست خارجی اینست که منابع صنعتی و فنی و مصرفی برنامه های اقتصادی انقلابی خود را در صحنه بین المللی در نظر بگیریم. بعنوان مثال سیاست تسلیحاتی ما در گذشته از نظر تامین سلاحها و خدمات آن وابسته به آمریکا و انگلیس بود و اکنون اگر ما بخواهیم از این سلطه خارج شویم و به سیاست نظامی و تسلیحاتی خود جنبه استقلال و عدم وابستگی بدهیم در اینصورت با اینهمه سلاحهای نظامی آمریکا که احتیاج به ایزاردکی و تعمیر و نگهداری دارد چه خواهیم کرد.

سرمایه داری جهانی و امپریالیزم آمریکا مخالف مگر دخالت نظامی و علنی شاه را در ظفر بر علیه انقلابیون عمان فراموش کرده ایم و یا مخالفت شدید و علنی عربستان سعودی را در مناقشه یمن شمالی و یمن جنوبی به نفع ارتجاع یمن شمالی از یاد برده ایم. در اینصورت وقتی یک رژیم انقلابی خود را در محاصره قدرتهای ارتجاعی می بیند جز اینکه برای بقای خود دست کمک به سوی قدرتهای مخالف و رقیب دراز کند چاره دیگری ندارد.

رژیم تره کی معلول رژیم استبدادی داودخان است و هنگامی گروه انقلابی افغانستان دست به انقلاب زد که گروههای مسلمان افغانستان در برابر رژیم فاسد و استبدادی داود خان هیچگونه عکس العملی نشان نمی دادند. سوای رهبران انقلابی افغانستان نیز در دوران رژیم سلطنتی ظاهر شاه و داود خان چیزی جز حبس و زندان و محاکمه نبود طلب کمک رژیم تره کی از شوروی در برابر فشار ها و دخالت های رژیم شاه سابق و رژیم طرفدار غرب پاکستان نیز امری طبیعی بود. زیرا در سیاست خارجی برای رژیمهای انقلابی نیز برای ادامه حیات مطلقیت وجود ندارد و به نسبت شرایط خاص جغرافیائی و سیاسی خود ناچار به ایجاد فضائی جهت مانور های تاکتیکی هستند. آنچه در این میان غیر قابل انکار است اینست که امپریالیزم آمریکا و رژیمهای وابسته به آن در منطقه با رژیم سوسیالیستی تره کی مخالف بودند و رژیم سوسیالیستی تره کی به رژیم استبدادی فاسد داودخان برتری دارد؛ در این میان در آنچه که امروز به عنوان قیام اسلامی افغانستان علیه رژیم تره کی نامیده می شود برای ما مسائل مجعولی وجود دارد از این قبیل که در این قیام نقش آمریکا و پاکستان و محافل ارتجاعی داخلی افغانستان و رژیمهای ارتجاعی و فاسد دیگر نظیر عربستان سعودی چیست و آیا این قیام از کمک های ملای و نظامی این عوامل تغذیه می شود یا نه؟

و دیگر آنکه این قیام من حیث اسلامی بودن آن قابل قبول نیست بلکه باید دید جنبه اسلامی آن با توجه به اکثریت بیسواد مردم افغانستان و نفوذ اخوند های مرتجع و مشکل قبیله ای این نفوذ چگونه است.

مگر ما تاریخ قیام بچه سقا در افغانستان را فراموش کرده ایم که بنام مذهبی وزیر نفوذ سیاست انگلیس امان الله خان پادشاه لیبرال و اصلاح طلب افغانستان را سرنگون کردند؟ و بار دیگر رژیم استبداد و سلطنتی ظاهر خان را بر مردم افغان تحمیل نمودند؟

و باید دید آیا حمایت ما از شورش کونی علیه رژیم تره کی اگر به ضرر شوروی است آیا به نفع آمریکا و رژیم نظامی پاکستان و پشتیبانان آن در رژیمهای فاسد خاور میانه عربی و اسرائیل نمی باشد؟ اگر ما نگوئیم بخاطر نداشتن اطلاعات دقیق ناگزیر از طرح این سئوالات هستیم دیگران نیز بخاطر همین نقص اطلاعات نمیتوانند بطور مطلق رژیم تره کی را طرد کرده و از شورش کونی حمایت کنند. ما با رژیمی که حتی به صورت سوسیالیستی مطلقا زیر نفوذ شوروی باشد و بخواهد ملت افغانستان را در شعاع مصالح منطقه ای شوروی قرار دهد مخالفت؛ اما به صرف اینکه رژیم تره کی رژیم سوسیالیستی است نمیتوانیم با او مخالف باشیم؛

کن کردن فساد سرمایه داری بود شدت مخالفت می کرد. انقلاب گویا با برنامه سوسیالیستی و ضد امپریالیستی آن خطر بزرگی برای منافع اقتصادی آمریکا در منطقه پرتروت دریای کارائیب و کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی بود. ایجاد یک الگوی مترقی از نظام اجتماعی و اقتصادی در گویا خطر گسترش انقلاب را در کشورهای زیر سلطه آمریکا در آن منطقه تسریع می کرد.

میکرب انقلاب ضد امپریالیستی وقتی در کشوری جان بگیرد، خواه ناخواه و دیر یا زود به کشورهای همجوار و همسایه نیز سرایت می کند. هر انقلابی برای ادامه حیات خود و برای دور ماندن از خطر محاصره امپریالیزم ناچار به رژیمهایی رو می آورد که در سیاست داخلی خود دارای رژیمی انقلابی و سوسیالیستی هستند.

رژیمهای سوسیالیستی نیز در سیاست خارجی خود به پیروی از مصالح سیاست داخلی و برای تامین منابع اقتصادی خود انعطاف پذیرند و این انعطاف پذیری را تا آنجا پیش می برند که با رژیمهای فاسد استبدادی روابط و پیوندهای دوستی ایجاد می کنند، تا جایی که لهستان و رومانی سوسیالیست با تقدیم نان و نمک از منفورترین جبار و دیکتاتور قرن بیستم یعنی شاه سابق استقبال می کنند و چنین انقلابی با تمام اعتبار و شان انقلابی خود برای خوشامد گونی به همسر شاه سابق دهها هزار نفر دختر و پسر دانش آموز را با پرچمهای ایران بر سر راه او مستقر می کند و چریک پیر دنیای کمونیست یعنی مارشال تیتو و جناب صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و حضرت چاتوشسکو در زیر آفتاب سوزان شیراز در جشن های دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی یا خیمه شب بازی پسر رضاخان حضور می یابند، چرا؟ برای اینکه بوی دلارهای نفتی ایران در خالی که مردم ایران در فقر و اختناق و شکنجه و فساد و غارت رژیم از نفس افتاده بود همه آمریکا را از شرق و غرب و از سوسیالیست و امپریالیست مست کرده بود و از هیچ دولتی و از رادیوی هیچ رژیمی از رژیمهای سوسیالیست جهانی کلمه ای مبنی بر اعتراض به کشتارها و شکنجه ها و غارت های رژیم استبدادی ایران بلند نمیشد.

وقتی وزیر خارجه چین در فرودگاه مهرآباد سیاست تسلیحاتی رژیم استبدادی را که بطور مطلق متکی بر آمریکای امپریالیست بود آنچنان مورد ستایش قرار داد که روزنامه مستقل و معتبر لوموند فرانسه نوشت خدا کند که فرمایشات وزیر خارجه چین در فرودگاه مهرآباد بگوش طرفداران مانو که در فراموشخانه های ساواک در تهران زیر شکنجه بودند نرسد.

آری حقیقت اینست که هیچ رژیم سوسیالیستی و ضد امپریالیستی از نظر اخلاق انسانی و روابط سوسیالیستی نباید از رژیمهای فاسد استبدادی طرفداری کند و نباید در برابر ظلم و خشونت این رژیمها نسبت به مردم خود ساکت به نشیند اما واقعیت در دنیای ما غیر از اینست که رژیمهای سیاسی و قدرتهای جهانی اعم از کوچک و بزرگ سیاست خارجی خود را با واقعیت های حاکم بر جهان و ضروریات آن هماهنگ می کنند. برای کشورهای کوچک و ملت های ضعیف نیز اگر می خواهند به حد مطلوبی از استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی برسند این واقعیت صادق است؛ یعنی این کشورها در درون واقعیت ها نمی توانند ضروریات جهانی و حضور غیر قابل انکار ابر قدرتها را در تنظیم سیاست خارجی خود فراموش کنند.

هیچ نظامی سیاسی مترقی نمیتواند برای ادامه حیات خود و اجرای اصول اجتماعی و اقتصادی عادلانه به نفع اکثریت محروم جامعه خود از نسبت شرایط سیاسی چشم پوشی کند و خود را در دامن مطلق گرایی «ابسولوتیزم» بیندازد. گروه انقلابی افغانستان در موقعی رژیم استبدادی فاسد داود خان را سرنگون کرد که همسایه های آن یعنی رژیم استبدادی ایران و پاکستان با طبیعت این گونه تحولات در مرز های همسایه خود به پیروی از مصلحت خود و مصلحت



# استبداد آسیائی و...

مراسم بزرگداشت روستا شاه دکتر علی شریعتی در روز سه شنبه ۲۹ خرداد ماه که مصادف با سالگشت وفات او بود در زمین چمن دانشگاه تهران با حضور ده ها هزار نفر از هواداران اندیشه وی برگزار شد. این گردهم آبی نمونه با شکوهی بود از تظاهرات اسلامی مترقی و ضد ارتجاعی نسل جوان ایران، تسلی که باز انقلاب پیروزمند ایران را به دوش ملود سخترانی علی اصغر حاج سید جواد را در آن مراسم در این صفحات میفرمایند.

پندون آنکه انسان پای خود را برگزشت مرده تن آدمی گذارده اسکان گام برداشتن نبود. انسانانی که در برابر بی انتهائی طبیعت خود رافانی می بینند و درمغاک بی نهایت رها شده است در برابر این تضاد به بن بست می رسد، قدرت بت همه زمین و زمان را فرا گرفته است. افسون مصرف دخیلری است که فرهنگ صنعتی به کمک آن انسان را از تفکر و اندیشه باز می دارد. دوران جاهلی تازه مذهبی تازه می طلبد برای انسان فانی که به ماوراء الطبیعه اعتقادی ندارد لذت و کامجویی سرلوحه این مذهب و آئین است. تضاد بین بی انتهائی و بی غایتی جهان و فانی بودن انسان، اینست قاجحه سرنوشت انسانی که در برابر قدرت ماشین به نهی لیسیم و پوچگرائی می رسد، برای بقای خود درچارچوب آئین لذت و کامجویی راهی جز دریدن هنوع و استثمار اوندارد. در این لجه سیاه است که ابراهیم ها و محمد ها بر می خیزند: یا پاهالمدر تم فاندرو انسان یا بار امانتی که بردوش دارد قیام می کند. قیام او پیام آور چه مضمونی است؟ مضمون پیام و قیام به شکستن بت هاست. وقتی دوران جاهلی به قله عفونت و فساد خود می

پوسته آمهائی در مسیر تاریخ وجود دارند که نقش مرغ طوفان را بازی می کنند، این گونه آنها بقدرت پیش و احساس استثنائی خود حرکت طوفان را در اعماق جامعه احساس می کنند. پوی معطر رویش گیاه آزادی و صدای بالندگی آنرا در تاریکی شب می شنوند، در قرن نوزدهم سه تن از این مردان بن بست های آینده فرهنگ غربی را در سالهای قرن بیستم به قدرت احساس و پیش خود می دیدند، داستایوسکی: کیرگه گورد و نیچه، این سه وضع و سرنوشت انسان دوران جدید را که به عصر بی خدائی پا می گذاشت پدرستی دریافتند. انسان غربی ملکوت آسمانها را از دست داده فرهنگ صنعتی غرب دوران تازه ای از جاهلیت را آفرید: جاهلیتی بابت های تازه از بانکها و پولها و سرمایه ها و ماشین ها: و ماشین خدای بزرگ، زوپیتتر عصر ما یعنی خدای خدایان در قله المپ جدید تمدن غربی فرمانروائی بر سرنوشت انسان را آغاز کرد. و انسان در پرستش این بت اعظم و خدای خدایان از معنویت و خویشترن خویش یکسره پرید و تمدن غرب برای پرستش این بت بزرگ معبدی عظیم با ستونهای سطلر از پول و مصرف و سرمایه و بورکراسی بنیان نهاد: نفیر غول با ستونهای عظیم از دود بخار زندگی انسانی را در مشارق و مغارب جهان در نور دید. در شکم این بت اعظم میلیونها میلیون انسان بصورت برده و گلابدانور بکار پرداختند و میلیونها میلیون نظیر بت پرستان دوران جاهلی در جلوی این بت بزرگ زانو می زند تا از مواد زائد و مولد این دستگاه عظیم اسارت و غارت سهمی ببرند. پرستش اشیاء آئین مادی و معنوی این بت اعظم است، تولید برای تولید قانون سرمایه داری غربی است و تولید برای مصرف آئین نامه رسمی آنست.

در چنین تمدنی است که نیخ و حافظ و مثنوی و محتسب همه براه تزویر و سالوس می رفتند و فرزانهائی چون داستایوسکی و نیچه و کیرگه گورد وقتی به سیسط زمین نظر می اندازند نظیر ارمیای نبی آنرا تپیی و ویران می یابند و وقتی به آسمان می نگرند آنرا خالی از هر نورستکاری می بینند. درمیکنه فرهنگ صنعتی و مصرفی غرب و گرداگرد خدای خدایان یعنی ماشین، بت های کوچک و بزرگ فراوانی بدست انسان خلق شده است و انسان در چنین فرهنگ عظیمی از پیشرفت های علمی و فنی بدست خود نظامی بوجود آورده است که پدر در پدر و نسل بعد نسل شعوری جز پرستش این بت ها ندارند و در نظام جاهلی غرب قبایل و اقوام در کمین یکدیگر می نشینند زیرا بت بزرگ فرهنگ غربی یعنی ماشین و بت های کوچک آن یعنی پول و سود و سرمایه و بورکراسی و انحصارگرائی برای بقای خود قربانی می طلبد، قربانی بت بزرگ مابرعکس قربانی دوران جاهلی گذشته یک نفر و دونه و ده نفر و صد نفر و هزار نفر و یک میلیون نفر نیستند، بلکه میلیونها انسان باید قربانی شوند، و چرخ این ماشین عظیم جز باخون انسان به گردش در نمی آید. و انسان در سودای سود و سرمایه و در افسون تولید و مصرف همچنان چشم و گوش بسته گمراه پرستش بت اعظم بسته است و میلیونها میلیون انسان را با طیب خاطر در پای بت قربانی می کنند آنچنان که ژنرال ایزولهور یعنی یکی از عمله این معبد عظیم در خاطرات خود درباره جنگ دوم جهانی می نویسد:

## طرح پیشنهادی برای حل



# مشکل در

شبکه های بهداری

تعریف شبکه: سیستم شبکه عبارتست از شش واحد بهداشتی - درمانی (خانه بهداشت - واحد بهداری - مرکز بهداری - مرکز اورژانس - بیمارستان ناحیه ای و بیمارستان منطقه ای) در یک منطقه جغرافیائی که از روستا شروع و به مرکز استان ختم می شود و مسئولیت بهداشت بین سیصد تا پانصد هزار نفر را دارد. هدف از سیستم شبکه: تامین بهداشت و درمان برای کلیه افراد کشور اعم از روستائی یا شهری با کیفیتی برابر در نزدیکی مکان ممکن به محل سکونت و بالای بردن قدرت پوشش پزشکی از یک هزار نفر به هشت تاده هزار نفر با استفاده از کادر کمکی به نحویکه کیفیت و کمیت کار پزشکی تغییر نکند. نحوه مدیریت شبکه: شبکه یکی از سه واحد اصلی وزارت بهداری است که تنها عامل اجرائی آن وزارتخانه در کار بهداشت و درمان است که با توده مردم سروکار دارد ولذا بایستی به وسیله خود مردم اداره شود و سیستم مدیریت آن به صورت هیئت مدیره خواهد بود با شرکت نمایندگان انجمن شهر - شهرستان - استان و یک نماینده از کارگران - یک نماینده از کشاورزان - یک نماینده از پزشکان و یک نماینده از وزارت بهداری. مدیر شبکه با عنوان مدیر عامل و منتخب هیئت مدیره و مسئول در برابر آن هیئت خواهد بود و عزل و نصب مدیر فقط با هیئت مدیره خواهد بود و سازمان منطقه ای در این کار نقش نخواهد داشت ولی نظارت بر امور فنی و اداری شبکه از وظایف سازمان منطقه ای و وزارت بهداری است و چنانچه نقصی در اجرای ضوابط و استانداردها مشاهده گردد از طریق هیئت مدیره به مدیر عامل ابلاغ می شود. مسئولیت کلیه امور اداری - مالی و استخدامی با هیئت مدیره و مدیر عامل خواهد بود که موظف به اجرای کلیه ضوابط و استانداردهای قسمتهای ستادی است. کلیه امور فنی شبکه که شامل مسائل پزشکی، بهداشتی و پرستاری است به عهده شوراهای منتخب هر گروه گذاشته می شود. فلسفه ایجاد سیستم شبکه ادامه خدمات بهداشتی و درمانی از طریق سیستم شبکه به دلایل مختلف که توضیح داده خواهد شد در اکثر کشورهای جهان متداول است و آنچه که لزوم آن را در ایران ایجاد می کند کمبود پزشک است که چنانچه استاندارد حداقل یک پزشک را برای هزار نفر در نظر بگیریم وضعیت کشور را ۳۶ میلیون نفر به حساب آوریم احتیاج به ۳۶ هزار پزشک خواهیم داشت که

در تاریخ ضبط می شود و جود داشته باشد. و امروز کوششی را شاهدیم که می خواهند بمصداق کار را که گرد آنکه تمام کرد کار آغاز و انجام انقلاب ایران را بحساب خود بگذارند، غافل از آنکه تاریخ در نقد اسناد و مدارک نگاهی یکسونگر و یک بعدی ندارد تاریخ منطبق این مثل مارا قبول ندارد که کار را که گرد آنکه تمام کرد زیرا انقلاب یک بافته پیچیده و بفرنج از تار و پودهای مرتی و نامرتی است. انقلاب کنونی مایجیزی جدای از نهضت عمومی مردم برای ملی شدن صنعت نفت نیست و آن نهضت نیز پدیده ای جدای از انقلاب مشروطه نمی باشد و انقلاب مشروطه هم خود جز پدیده ای از حرکت عمومی مردم در برابر استبداد مطلقه سلاطین قاجار نبود با توجه به این تداوم و استمرار است که میتوان مراحل مختلف انقلاب طولانی مردم ایران و حلقه های اتصال آنرا یکدیگر مورد بررسی قرار داد و در این زمینه نقش تاریخ در ایجاد شخصیت های دوران ساز و نقش شخصیت ها در کیفیت حرکت تاریخی نهضت را آنطور که حقیقت و واقعیت اقتضا می کند شناخت.

دوران استبداد مطلقه قاجار مثل هر سبک تاریخ در سراسری زوال و سقوط نطفه های یک انقلاب راستین را در بطن خود بوجود آورده افرادی بودند که در مسیر این تحول با افکار و عقاید جدید آشنا شدند و ضرورت حدوث یک تحول را از افق های دور و نزدیک بخاطر پیش های سیاسی و اجتماعی و انسانی خود تشخیص دادند و خطوط کلی انقلاب را در نوشته ها و گفتارهای خود ترسیم کردند و به نارضیاتی های عمومی مردم شکل سیاسی و اجتماعی خاصی آنرا بخشیدند، در هیچ انقلابی این رابطه بین روشنفکران و توده ها را نباید فراموش کرد بقول یکی از متفکران رسالت روشنفکر و فرزانه ایجاد زمینه فنی انقلاب است.

چهارشنبه ها  
جلسه بحث و انتقاد  
از ۸ تا ۸ بعد از ظهر تشکیل می شود  
محل ساختمان شماره ۱ و دفتر جنبش

وجهه فائز به صورت یکی از بزرگترین کشتار گاهها در آمده بود جاده ها و شاهرها از لاشه آنها و سلاخها پوشیده بود چهل و هشت ساعت پس از پایان نبرد من شخصاً از آن جبهه بازدید کردم. چنین منظره ای را فقط دانسته می تواند بروی کاغذ ترسیم کند در فاصله هزاران متر

# وانشناسی فرهنگ آن

## غلطهای چاپی و توضیح

هفته گذشته در مقاله های جنبش چندین غلط چاپی وجود داشت که خوانندگان خود متوجه شده اند، اما در چند جا غلطها طوری بود که به معنی جمله لطمه می زد، مثلا در مقاله چند بار «مسلمان عامل» شده بود «مسلمان عامی» که امید است خوانندگان تصحیح کرده باشند و بابت این ناگزیری مارا ببخشند.

شکستی در قالب یک جهان بینی منطقی نشان داد که انسان برای ساختن امت و امت برای تربیت انسان راهی جز استمرار در مبارزه با نظام ارزشهای زمان خود که همواره روپسند و الوادگی و انحراف است ندارد و در این راه یعنی در طریق بت شکستی فضیلت انسان در آگاهی و تدبیر و مبارزه خلاصه می شود. جوهر و خمیر مایه اندیشه دکتر شریعتی را میتوان در همه آثار فراوان و گرانقدر او این چنین خلاصه کرد که اسلام مذهب مبارزه بابت هاست، انسان اسلامی انسانیت بت شکن است و بت شکن دارای دو خصوصیت ممتاز است، نخست تکنیک و شیوه درگیری با عمل بت را به قدرت آگاهی و تجربه درمی یابد. دست به سازماندهی می زند اما هرگز اسیر سازمان نمی شود. دوم بت شکن هرگز در برج عاج اندیشه ها و تخیلات خود نمی نشیند، بت شکن همواره در پیشاپیش صحنه قرار دارد بت شکن برای آنکه شاهد زنده و حاضر تحول و چرخش زمان خود باشد جز اینکه در طریق شهادت گام بردارد راه دیگری ندارد. همه پیامبران و مردان بت شکن تاریخ از این سه خصوصیت برخوردار بودند. این سه خصوصیت الگوی غائی یک جامعه کمال مطلوب است، برادر شهید ما دکتر شریعتی در محور چنین خصوصیتی قرار داشت.

شکستی در قالب یک جهان بینی منطقی نشان داد که انسان برای ساختن امت و امت برای تربیت انسان راهی جز استمرار در مبارزه با نظام ارزشهای زمان خود که همواره روپسند و الوادگی و انحراف است ندارد و در این راه یعنی در طریق بت شکستی فضیلت انسان در آگاهی و تدبیر و مبارزه خلاصه می شود. جوهر و خمیر مایه اندیشه دکتر شریعتی را میتوان در همه آثار فراوان و گرانقدر او این چنین خلاصه کرد که اسلام مذهب مبارزه بابت هاست، انسان اسلامی انسانیت بت شکن است و بت شکن دارای دو خصوصیت ممتاز است، نخست تکنیک و شیوه درگیری با عمل بت را به قدرت آگاهی و تجربه درمی یابد. دست به سازماندهی می زند اما هرگز اسیر سازمان نمی شود. دوم بت شکن هرگز در برج عاج اندیشه ها و تخیلات خود نمی نشیند، بت شکن همواره در پیشاپیش صحنه قرار دارد بت شکن برای آنکه شاهد زنده و حاضر تحول و چرخش زمان خود باشد جز اینکه در طریق شهادت گام بردارد راه دیگری ندارد. همه پیامبران و مردان بت شکن تاریخ از این سه خصوصیت برخوردار بودند. این سه خصوصیت الگوی غائی یک جامعه کمال مطلوب است، برادر شهید ما دکتر شریعتی در محور چنین خصوصیتی قرار داشت.

او وجود جن را در پیکر جامعه و در تن و جان مردم خود پاتیز بینی خاص اش احساس می کرد مردمی که در نظام ارزشهای زمان خود تاسرحد اسارت مفتون و محسور بودند نظامی که بر سه پایه همیشگی و اساسی قدرت استوار بود یعنی پول و زور و عوامفریبی. او با دیدگان ژرف بین خود تا اعماق قشرهای روشنفکری جامعه کاذب ایدئولوژیها را می دید و احساس می کرد که با چه ساده لوحی انسان تحصیل کرده اما غیر فرزانه مابه تفاسیر ایدئولوژیک آئین پرستش فردگرایی و دولت گرایی تن در داده است کار او در این رهگذر یک آغاز بود. آغاز یک بت شکستی از نظام ارزشهای موجود و در این راه جسورانه همچون سقراط پیش رفت، با دقت یک جراح مسئول و متعهد پیکر اسلام را که در پوشش های ضعیفی از خرافه و بت پرستی پیچیده شده بود مورد تشریح قرار داد و در این راه همه ارزشهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی بشری را در سراسر جهان پداوری و قضاوت کشاند. و نشان داد چگونه اسلام از انسان و جامعه و ناس و امت یک الگوی مشخص عرضه می کند او تلاش محمد و علی و حسین را در بت

ماشین قادر به برابری با هیولای ماشین ر نظام گلابیاتوری آن نیست. این وظیفه و رسالت برعهده فرهنگی تازه است. انسان فانی در برابر طبیعت بی نهایت و انسان ستایشگر و جن زده فرهنگ صنعتی غربی انسانی خودخواه و قدرت طلب و بی غیرت است. این فرهنگ الوده به خود خواهی و قدرت طلبی و بی تمسبی است برادر شهید مهادکتر شریعتی که بود! او مرغ طوفان بود شامه تیز او وقوع طوفان را نه در جغرافیای محدود ایران بلکه در بسط زمین حس می کرد. رسالت او چه بود؟

رسالت او بت شکستی بود. او در این رسالت بقول همولایتی بزرگ خراسانی ناصرخسرو که در وصف ابوالعلائی معری می گوید: مردی بود صائم الدهر و قائم اللیل. او هرگز در شب ها چشم بر هم نمی گذاشت، کار او در دل تاریکی چه بود؟ عبادت و عبادت او چه بود؟ عبادت دکتر شریعتی تفکر و تحریر بود بمصداق مدادالمعلمنا افضل من امه الشهداء. فضیلت مرکب عالم از خون شهید بیشتر است. او با قلم خود عالمانه جسد متعفن آئین زور و پول و عوامفریبی را کالبد شکافی می کرد.

## دکتر حسن بشر

# مان و بهداشت

عملا بیش از دوازده هزار نفر در حال حاضر پزشک نداریم و انهم به بدترین وجهی توزیع شده اند. به عنوان مثال که یک هشتم جمعیت کل کشور است نصف امکانات پزشکی را در اختیار دارد و مشابه چنین الگویی در سطح استانها نیز به چشم می خورد. فی المثل شهر اصفهان که حدود یک سوم جمعیت کل استان را دارد حدود نود درصد امکانات پزشکی و پزشک استان را در خود جاداده است.

کمبود پزشک و توزیع غلط امکانات بهداشتی - درمانی ایجاب می کند که بهداشت و درمان را به دو قسمت مجزای مراقبت های اولیه و بهداشت و درمان نهائی یا تخصصی تقسیم کنیم و مسئولیت اجرایی قسمت اول یعنی مراقبت های اولیه را به افراد غیر پزشک که تحصیلات محدودتری در این رشته دارند و دوره آموزش بهداشتی - درمانی آنها کمتر است بسپاریم که افراد آن از میان روستاها انتخاب شوند و محل تعلیم و کارشان در همان منطقه خود بانظارت و مراقبت پزشک باشد.

این تذکر ضروری است که کار کمکی که مسئولیت مراقبت های اولیه را دارند بطور قطع در نظام سیستم شبکه قرار داده شوند که دو اصل مهم بر آن حاکم است یعنی اصل ارجاع بیمار از واحدهی به واحد بعدی که امکانات آن بیشتر باشد و زیر نظر پزشک متخصص اداره شود و اصل دوم اصل سرپرستی است که واحد ها مرتبا به وسیله واحد بالاتر که زیر نظر پزشک است سرپرستی و کنترل می شود.

در نظام شبکه هرواحدهی نسبت به حدود وسط پویش عملیات خردشناسی نسبت به کلیه ساکنین محل خرد خواهد داشت و هر یک از ساکنین می توانند پرورنده پزشکی خاص خود را در واحد بهداشتی - درمانی حوزه خود داشته باشند. به این ترتیب رابطه میان بیمار و شبکه درمانی و پزشک نظم خاص غربی خواهد یافت و بیماران دچار سرگردانی نخواهند شد.

پیشگیری - بیماریابی و پیگیری سه مساله مهم در کار بهداشت و درمان است که فقط در نظام شبکه می توان آن را انجام داد زیرا ساکنین هر محدوده ای به سادگی مورد شناسایی کامل واحد بهداشتی - درمانی حوزه خود می باشند و ماموزین به سادگی می توانند ساکنین حوزه خود را از نظر وظایف خردشناسی کنند.

بانظام شبکه می توان به قلب روستاها نفوذ کرد و با واحدهای درمانی مستقر در روستاها را بطور شبانه روزی در اختیار روستائیان کشور گذاشت و باعث استقرار و ماندن روستائیان در روستاها شد. ادامه دارد.

جنبش پانظر شورای نویسندگان اسر دبیر: اسلام کاظمیه صفحه آرانی از: حبیب مفتون

نشانی: غرب تهران - خیابان فرصت شیرازی - تقاطع با اسکندری شمالی - شماره ۱۵۵ - تلفن ۹۲۳۳۱۸

اومنی خواست اسلام زدگی را به جای غریزگی نشاناند یعنی با خراب کردن بتی: بتی تازه برای مردم باافسون ها و جاذبه های خاص تعبیدی آن برآشد. الگوی دکتر شریعتی از انسان و جامعه و امت پدیده ای بود که از آگاهی و بینش لبریز باشد تا بتواند هر لحظه نارسائی و فساد ارزش ها را بشناسد، اما بینش و آگاهی اگر در پوشش زور و زر قرار گیرد خردبفاسدمی گراید بنابراین در نظام پیش دکتر شریعتی اصل جهاد و مبارزه در مرکز آگاهی قرار دارد.

دکتر شریعتی به خوبی میدانست که اسلامی که او برای شناساندنش و شناساندنش کوشش می کرد از اساس پایه اش بر بت شکستی قرار دارد، سازمان سیاسی و اجتماعی اسلام سازمانی است که هرگز نگذارد ارزش های اجتماعی و اقتصادی به بت هائی تبدیل شوند که سازمان را در اختیار خود قرار دهند در جهان بینی شریعتی خصوصیت اساسی اسلام در همین است که سازمان باید همیشه در خدمت هدف باشد سازمان باید از چنان خصوصیت پویا و متحرکی برخوردار باشد که بتواند همیشه فضا را برای گسترش کمی و کیفی ارزشهای انسان آماده کند و هر لحظه خود را با تغییر کیفی ارزش های انسانی تطبیق دهد و هماهنگ نماید.

دکتر شریعتی به خوبی میدانست که اسلامی که او برای شناساندنش و شناساندنش کوشش می کرد از اساس پایه اش بر بت شکستی قرار دارد، سازمان سیاسی و اجتماعی اسلام سازمانی است که هرگز نگذارد ارزش های اجتماعی و اقتصادی به بت هائی تبدیل شوند که سازمان را در اختیار خود قرار دهند در جهان بینی شریعتی خصوصیت اساسی اسلام در همین است که سازمان باید همیشه در خدمت هدف باشد سازمان باید از چنان خصوصیت پویا و متحرکی برخوردار باشد که بتواند همیشه فضا را برای گسترش کمی و کیفی ارزشهای انسان آماده کند و هر لحظه خود را با تغییر کیفی ارزش های انسانی تطبیق دهد و هماهنگ نماید.

اگر این فرهنگ بوجود نیاید و جامعه بدرستی مسیر ارزشهای اصیل را نشناسد دیربازود، هر نهضت و جنبشی به فساد مادیگری یعنی برخورد با مسائل از طریق سوده های آتی مبتلا خواهد شد. جامعه ما اکنون چنین فرهنگی را که میراث شادوشهادت دکتر شریعتی است در اختیار دارد این میراث در فرهنگ بت شکستی و گریز از تعبد کورکورانه و رسیدن به قدرت فرزانگی و بینش عمیق اجتماعی خلاصه می شود.

دکتر شریعتی به خوبی میدانست که اسلامی که او برای شناساندنش و شناساندنش کوشش می کرد از اساس پایه اش بر بت شکستی قرار دارد، سازمان سیاسی و اجتماعی اسلام سازمانی است که هرگز نگذارد ارزش های اجتماعی و اقتصادی به بت هائی تبدیل شوند که سازمان را در اختیار خود قرار دهند در جهان بینی شریعتی خصوصیت اساسی اسلام در همین است که سازمان باید همیشه در خدمت هدف باشد سازمان باید از چنان خصوصیت پویا و متحرکی برخوردار باشد که بتواند همیشه فضا را برای گسترش کمی و کیفی ارزشهای انسان آماده کند و هر لحظه خود را با تغییر کیفی ارزش های انسانی تطبیق دهد و هماهنگ نماید.

دکتر شریعتی به خوبی میدانست که اسلامی که او برای شناساندنش و شناساندنش کوشش می کرد از اساس پایه اش بر بت شکستی قرار دارد، سازمان سیاسی و اجتماعی اسلام سازمانی است که هرگز نگذارد ارزش های اجتماعی و اقتصادی به بت هائی تبدیل شوند که سازمان را در اختیار خود قرار دهند در جهان بینی شریعتی خصوصیت اساسی اسلام در همین است که سازمان باید همیشه در خدمت هدف باشد سازمان باید از چنان خصوصیت پویا و متحرکی برخوردار باشد که بتواند همیشه فضا را برای گسترش کمی و کیفی ارزشهای انسان آماده کند و هر لحظه خود را با تغییر کیفی ارزش های انسانی تطبیق دهد و هماهنگ نماید.

دکتر شریعتی طالب فرهنگ و خواهان جامعه ای بر مبنای آن بود که هر انسانی بر مبنای آگاهی برسد و این آگاهی را در خدمت شهادت بگذارد.

اوبدرستی به کیفیت شکست نهضت های اجتماعی ایران آگاهی داشت و می دانست بدون یک پایه فرهنگی اصیل و بدور از افسونهای بت پرستی نمیتوان یک جامعه ای را از اسارت استبداد و استعمار نجات داد.

اوبدرستی به کیفیت شکست نهضت های اجتماعی ایران آگاهی داشت و می دانست بدون یک پایه فرهنگی اصیل و بدور از افسونهای بت پرستی نمیتوان یک جامعه ای را از اسارت استبداد و استعمار نجات داد.

در اینجا باید به حقیقت دیگری اشاره کنیم که در تربیت خانوادگی و در فضائی از پیش آمیخته با خلوص و ایثار است که میتوان سلسله و سلاله بت شکنان را بوجود آورد و آنرا در سطح جامعه تعمیم داد؛ دکتر شریعتی وابسته به چنین سلاله و خانواده ای بود و من در حضور پدر بزرگوار و بزرگ آن شهید چه شهادتی میتوانم بیاورم که بهتر از بیان استاد طوس یعنی فردوسی این حقیقت را بازگو کند:

تقش دکتر شریعتی در انقلاب ماتنش یک معمار و طراح عالم این پایه فرهنگی و بینش علمی است.

تقش دکتر شریعتی در انقلاب ماتنش یک معمار و طراح عالم این پایه فرهنگی و بینش علمی است.

هنر با نژاد است و با گوهر است سه چیز است و هر سه به پنداندن است

نهضت های مادر دورانیهای گذشته درست به این علت شکست خوردند که فاقد یک زیربنای علمی و تاریخی از جهان بینی بودند. ما اکنون تنهائی کسی مثل دکتر مصدق را در جهاد بزرگ خود هرگز می کنیم که کیفیت رهبری صادقانه او هرگز در چارچوب یک جهان بینی اجتماعی قرار نداشت گناه این تقصی نه از او بلکه از کسانی بود که در جاذبه و افسون ایدئولوژیها در لباس روشنفکری از ککاشی در شرایط تاریخی و مذهبی و اجتماعی جامعه خود غافل بودند. آنها هرگز صحایف تاریخ قومی و مذهبی خود را ورق نزنه بودند و در کنار آنها مذهب همچنان در برابر غلبتها و جوش های حق طلبانه مردم سکوتی آمیخته با تسلیم داشتند. و وجود چنین خلایق به نتیجه ای جز شکست منتهی نمیشد.

هنرکی بود تا نباشد گهر نژاد کسی دیده ای، بی هنر؟ گهر آنکه از فریزدان بود نیزد به بدست و بد تشنود نژاد آنکه باشد ز تخم پدر سزد کاید از تخم پاکیزه تر هنر آنکه آموزی از هر کسی بگوشی و پچی زونجش بسی از این هر سه گوهر بود مایه دار که زیبا بود خلعت کرد گلر چو این هر سه یا بی خرد بایدت شناسنده نیک و بد بایدت چو این چار بایک تن آید بهم برآساید از لؤلؤ رنج و غم

# مسائل روز

## در جلسه بحث و انتقاد جنبش

بقیه از صفحه ۳

راجع به قانون اساسی جواب هم به عنوان یک وظیفه ملی اطاعت کرده ام. سؤال فراوان شده است. از همین رو چندتایی را میخوانم و میبسم به جواب و بحث درباره آنها. وقتی فراوانی سؤالات را دیدم خوشوقت شدم. این روحیه پرس و جو و کنجکاوی و بحث سازنده نشان میدهد کاروانی که با خون و غرور حرکت کرده و موانع را از پیش پاره داشته، میخاهد باصلح و صفا و روحیه سازندگی و آگاهی به راه خود ادامه دهد. ماکرواتیاتی که از ظلمت جهل و استبداد به سوی نور آزادی و آگاهی به راه افتادیم باید با دلهای مطمئن و قدمهای استوار پیش برویم و از دشمن باکی نداشته باشیم، زیرا خدا با ما است. اگر مامعتمدیم که از ظلمات به سوی نور میرویم، پس به زنجیر عدل الهی تکیه داریم و چون با خدا هستیم از هیچ چیزهراسی نخواهیم داشت و اگر بخوایم موفق باشیم باید از خودبینی ما بگذریم. معنای جامعه توحیدی همین است. در جامعه توحیدی استبداد راهی ندارد. دروسه حکیم و دانشمند سوئسی که بعضی او را فرانسوی خوانده اند، مبنای دموکراسی را بر این نظریه میگذارد که مردم از حقوق و آزادیهای خصوصی خویش بگذرند و آن را به جامعه واگذار کنند تا مساوی شوند. هرچه هست در بدن جامعه است.

اما مسلمان بجای اینکه از حق خود بگذرد و آن را به دولت واگذار کند از خود میگذرد و به خدا واگذار میکند و هرگز در مقام کسب قدرت و انحصار قدرت برای خویش بر نمیآید. با توجه به این اعتقاد و روشها باید خودبینی و انحصار طلبی را کنار بگذاریم و به دیگران، به جامعه ببندیم و بدون انتظار پاداش گامها را در راه پیشرفت جامعه استوار کنیم.

در مورد سئوالات و قانون اساسی، خوشحالم که از پیش نویس سابق این قانون بیست موردی را که به آن انتقاد کرده بودم و در جنبش چند شماره پیش نوشتیم، توجهی شده و از آن بیست مورد انتقاد در پیش نویس اخیراثری نیست.

سؤال شده است که آیا فکر نمیکنید رئیس جمهور از قدرت زیادی برخوردار است و این قدرت ممکن است مایه ناراحتی هائی بشود؟

نه. چون در این قانون اساسی رئیس جمهور نقش تشریفاتی دارد و نخست وزیر در مقابل مجلس مسئول است، نقش رئیس جمهور در این خلاصه میشود که نخست وزیر را انتخاب کند ولی تا وقتی که مجلس به او اعتماد دارد حق عزلش با رئیس جمهور نیست.

سؤال شده است که آیا ماده ۱۲ قانون اساسی زن را خانه نشین نمیکند؟

تصور نمیکنم. موادی که در مقدمه قانون اساسی است عنوان بر نامه ریزی قانون اساسی را دارد که می گوید مقام زن را والا می دانم چون نسل آینده در دامن مادر بزرگ می شود باید منافع زن را در خانواده حفظ کرد. من برای توجیه همان اصل عرض می کنم که حقوق هر کشوری زاده مسائل موجود در همان کشور است. خانواده همیشه مورد هجوم حکومت بوده است، چه استبداد سلطنتی و چه دیکتاتوری پروتاریا. هر دو اول به خانواده حمله می کنند چون خانواده قابل کنترل حکومت نیست. پس برای اینکه آنها مثل چرخ و دنده ماشین در راه قدرت به کار افتند، بنا بر این می گذارند که خانواده منحل شود. تمام کوشش بزرگان حقوق این بوده است که دولت تادرخانه و خانواده بتواند بیاید ولی نتواند وارد آن شود و بابخشنامه نشود روابط خانواده را تنظیم کرد. چون روابط خانواده در بخشنامه قابل گنجیدن نیست. فرض کنید که طبق قانون زن و شوهر را مکلف به

حسن معاشرت بایکدیگر کنیم. حالا اگر شوهری خسته و سرماخورده و بیمار وارد خانه شد و از همسرش انتظار اندکی مراقبت مثلا در حدود حاضر کردن یک آتش داغ داشت و همسر این را فراهم نکرد. شوهر چه کند؟ اگر به کلاتری برود و طبق قانون از زنش شکایت کند کار درست می شود؟ حکومت گذشته با آن قانون حمایت خانواده که غالب مواد آنها بدنبود، از راه گذاشتن بعضی مواد چنین کاری کردند. مثلا ماده ای بود که اگر شوهری تا ۵ سال محکوم به حبس شود، زن حق دارد تقاضای طلاق کند. حال اگر مردی وقتی که می خواسته باخانمش به مهمانی برود، در یک تصادف رانندگی زده و کسی را کشت و محکوم به حبس شد، محکوم است که زنش را هم از دست بدهد و زن حق دارد تقاضای طلاق کند؟ اگر مرد شش ماه یا یکسال بعد عفو شد و یا به علل دیگر از زندان درآمد تکلیف چیست؟ طبق همان قانون عکس قضیه پیش بینی نشده بود، و اگر زنی تصادف می کرد و به زندان می رفت مرد مجبور بود منتظر بنشیند. آیا این واقعا قانون حمایت از خانواده خلاصه ملاحظه کنید که قانون سابق در مورد طلاق

بیشترین و متنوعترین مواد را داشت یعنی در این کار در دنیا اول بودیم. سؤال شده است که در روزنامه ها نوشته اند اگر رئیس جمهور مجلس را منحل کند خودش هم مستعفی شناخته می شود. بطور شد که در متن پیش نویس چنین ماده ای نبوده؟ من از جریانش خبر ندارم ولی این بسیار خطرناک است که رئیس جمهور بتواند یا حق داشته باشد که مجلس را منحل کند. اگر در کشوری مجلس نباشد از آزادی هیچ چیز نیست. اگر برای مجلس مؤسسان یا نوعی از آن عجله می شود برای اینست که یک عامل دموکراسی به وجود آید. فرض کنیم که روزی نخست وزیر و رئیس جمهور تباختی کردند که بی حضور مجلس قدرت را در دست بگیرند. باید طوری شود که اینطور موارد پیش نیاید. سؤال شده است اینکه جمهوری اسلامی ایران از هرگونه مبارزه حق طلبانه در هر نقطه جهان حمایت می کند صحیح است؟ عرض کنم که بله، اسلام در عین حال که با دولت مخالفتی ندارد ولی در چارچوب یک ناسیونالیسم محدود نمی شود. اسلام مدعی است که ریشه ظلم را می خواهد

از دنیا بر کند. از نظر آرمان اسلامی و انسانی می خواهیم در هر کجا ظلمی واقع شد به سرکوب آن کمک کنیم و این از نقاط مثبت قانون اساسی است.

سؤال شده است که استفاده از زبانهای محلی در این قانون آزاد است. آیا این از یکپارچگی دستگاه اداری دولت نمی آید؟

اگر گفته می شد که تدریس و یاد گرفتن زبان فارسی از روی: ندارد این فکر پیش می آید. ولی وقتی کارهای کشور به زبان فارسی بگذرد و در مدارس هم فارسی درس بدهند ولی مثل سابق فرهنگهای قومی را سرکوب نکنند هیچ اشکالی پیش نمی آید. مخصوصا اینکه زبانهای قومی ایران در زمینه های فرهنگی قومی قوی است ولی در زبان علمی و اداری هنوز تا مدتها فارسی کار برد خود را خواهد داشت.

سؤال شده است که اصل ۲۶ می گوید هیچکس را نمی توان از شرکت در گروهها و احزاب سیاسی منع کرد. آیا این شامل ارتشی ها هم می شود و شرکت ارتشها در احزاب جرم نخواهد بود؟

پیش بینی نشدن چیزی دلیل بر جرم نیست. اگر قانون اساسی به همین شکل که هست بگذرد کسی را نمی توان منع کرد، مگر البته به حکم قانون.

اما اشکالی هست که باید گفته شود یکی از گرفتاریهای ما این بود که قانون اساسی بی حامی بود در دنیا به دونوع از قانون اساسی حمایت می شود. یا یک دادگاه قضائی مأمور جلوگیری و لغو قوانین مخالف قانون اساسی است و یا یک گروه سیاسی مثلا بنام مجلس کارش اینست که از تجاوز قوای منفته و مجریه به قانون اساسی جلوگیری کند. این شورای نگهبان که پیش بینی شده است چرا نباید تمام قضات را به این نام خواند. قضای باید حق داشته باشد از وضع و اجرای قوانینی که مخالف قانون اساسی است جلوگیری کند.

تشیع علوی و صفوی آقای دکتر خیره زاده گفت:

یک تذکر به جانبداری از آقای شاملو و انتقاد از جواب دوست ما کاشمیه رسیده که اینست: تهمت را با تهمت پاسخ گفتن شیوه مرئی نیست.

این آقای شاملوست که تهمت زده است و جوابی که داده شد تهمت نبود، بلکه گوشه ای از حقیقت بود. من اضافه می کنم که کتابها و اشعار آقای شاملو را بخوانید ایشان یک غریزه واقعی است. فراسر شمرایش با وصلیب سرنوشتی را به دوش می کشد یا «تاج خاره» بر سر می گذارد و یا از «تپه جلجانه» بالا می رود و یا تمثیلهای و تصویرهایی که همه متعلق به شعری غرب و متعلق به دنیای مسیحیت است و یک کلمه و یک تصویر از فرهنگ ما، فرهنگ مردم ما در اشعارش نیست. با فرهنگ مردم خود بیگانه است. احوال و افکار ایشان ناشی از همین غرب زدگی است.

سؤال شده است که در مقاله دکتر حاج سیدجوئی تذکر کسانیکه در دوره خطر خیز انقلاب از رفتن به «منبر خودداری» می کردند و حالا جلو افتاده اند مربوط به چه کسانی است؟ و سؤال دیگری درباره آیت الله بروجردی شده است.

اولا به عنوان نمونه از آن و عاقل یکی آقای فلسفی که پس از کودتای ۲۸ مرداد به منبر می رفت و شاه را مدح می کرد و در مورد دوم تشیع علوی و تشیع صفوی دکتر شریعتی را بخوانید. ملاحظه می کنید که نمونه تشیع علوی امام خمینی است. دیگر بقیه را خودتان بسنجید.

در ساعت ۸/۵ به نظر ظهر جلسه بحث و انتقاد هفتگی جنبش پایان یافت.

### مبارک باد...

شایسته است، پاس بداریم...

سزین چراغ زویش را تا، دستهای پر برکت

در پرتوی که ایمان است در انقلاب رهاورد

و انسجام اقیانوس در بیکرانه دشت تفاهم همراه،

با پرچم خونین انقلاب بر مرزهای فراسوی شب بیابانیم...

بنیاد این طلوع تعالی را با همتی عظیم همدستی،

با اسطوره های هابیلی به جشن خانه هدیه کنیم...

قامت بلند امامت را، قامت بلند شهادت

محمود سارنگ

فروردین ۱۳۵۸

تدریجی در محاصره نیروهای ارتجاعی داخلی در آمده و سرانجام مثل نهضت های قبلی راهی جز سقوط در دامن امپریالیزم جهانی نخواهد داشت.

مسیر آینده انقلاب ما بر خلاف گذشته راهی پر از پیچیدگی های سیاسی است که با تفرقه و گروه بندیهای گوناگون کثونی و تعصب های غیر واقع بینانه اعتقادی و مسلکی به جاتی نمی رسد.

## بقیه از صفحه ۱ پرونده سازی برای سازمان مجاهدین

توجه به ضوابط اجتماعی و اقتصادی مترقی ناپرد نکند در برابر تنگناهای ناشی از سیاست ابر قدرتها در پرا زود به بن بست خواهد افتاد در این صورت اگر در برابر حمله های ایدئولوژیک شرق تاب تحمل نیاورد ناچار با عقب نشینی های

امکانات فراوانی برای ایجاد رابطه مستقیم با توده ها از طریق گروههای سیاسی بدست آورده است، بنابر این انقلاب ما در بستر آزمایش تاریخی در موضع بسیار حساسی قرار دارد. اگر انقلاب ما روابط استعماری و استبدادی حاکم بر جامعه را با

موضع چه قرار دارند هدفی جز تثبیت وضع خود و حقانیت بخشیدن بر موجودیت خود در چارچوب رژیم انقلابی ایران ندارد.

این حقیقت را فراموش نکنیم که رژیم استبدادی ایران رابطه ایدئولوژیک شوروی را به خاطر منافع اقتصادی روسیه در سطح روابط دوستانه سیاسی با خود نگاه داشته بود. این رابطه اکنون با انقلاب ایران بر هم خورده است، شوروی

## سیاست خارجی...

سازمان مجاهدین تا امروز هیچگونه توجهی نشده است؟ اصرار بازرجویان کفاتی برای اینکه قصد سعادت از دست و جوی اعضای سیا چیست به چه عطف است؟ اینها مسائلی است که به اطلاع همه مسئولین امر از شورای انقلاب و اعضای دولت و مسئولین دامستانی انقلاب رسیده است اما چرا تا امروز به آنها توجهی نشده است اگر سعادت شکجه شده است چرا به پیشک قانونی اجازه معاينه سعادت را نداده اند و چرا پس از هفته ها زندانی و بازرجویی همچنان به خانواده سعادت اجازه ملاقات با او را

توقیف چندین روز فاصله است در حالی که چراغ دامستانی انقلاب تهران به سئوال سازمان مجاهدین اینست که سعادت بدون اجازه توقیف شده است و سازمان مجاهدین میخواهند خود راسا برای آزادی او و دستگیری کسانی که بدون اجازه او را توقیف کرده اند اقدام کنند؟ چرا در مطالب بازرجویی آنچاکه به خط خود سعادت است و آنچاکه مطلب در رساله کفاتی با ماشین تحریر منمکس شده است اختلاف وجود دارد؟ چرا یکی از اعضای ساواک در بازرجویی از سعادت شرکت داشته است؟ چرا به اسناد

دامستانی رساله ای بر علیه سعادت منتشر کند در حالی که این اسناد باید ظاهرا جزء پرونده قضائی سعادت در دامستانی باشد. سئوال ما اینست که چگونه یک سازمان غیر مسئول که ظاهرا نمیتواند هیچگونه رابطه اداری با دامستانی داشته باشد به این اوراق دسترسی می یابد و آنرا بدون اینکه تکلیف سعادت در دامستانی و دادگاه از نظر قضائی و حقوقی معین شده باشد بصورت یک رساله بر علیه سعادت و سازمان مجاهدین خلق منتشر می کند؟ چرا تهرانی شکجه چی ساواک در جریان محاکمه یکباره بفکر سازمان مجاهدین خلق و چریکهای فدائی خلق می افتد و آنها را مورد حمله قرار می دهد. چرا بین تاریخ توقیف سعادت و تاریخ حکم دامستانی مبنی بر

بقیه از صفحه ۲

مصاحبه کننده: ثریا کرباسی

# موسسه کیهان مال مردم خواهد شد

## آقای حسین مهدیان می گوید من فقط مدیریت موسسه را خواهم داشت تا قروض فراوان موسسه به گردن دولت نیفتد و پس از آن موسسه مال مردم شود.

فرد هفته پیش شایعه خرید مؤسسه کیهان به صورت خبری در روزنامه ها نوشته و منتشر شد که آقای حسین مهدیان بزرگان آهن این موسسه را به مبلغ هشتصد و پنجاه میلیون تومان خریده است. این خبر که در مطبوعات به تکرار رسید در سرفاله جنبش نیز با یک نقد منطقی منعکس شد.

پس از انتشار جنبش شایعات دیگری نیز درباره نحوه معامله موسسه کیهان شنیدیم که هر یک بادیگری مفایر بود و حتی یکی دو مصاحبه و نقل قول از خود آقای مهدیان به روشن شدن مسأله کمک نمی کرد. چون روش ما در هر حال جستجوی حقیقت فضاها و نقل و انتشار آن است. خبرنگار ما با آقای مهدیان ملاقات و مصاحبه کوتاهی کرد که در زیر ملاحظه می کنید:

س - آقای مهدیان خواهشمندم خودتان را با ذکر شکل معرفی کنید.

ج - من نیازی نمی بینم خود را بیش از این معرفی کنم که سرباز کوچکی در خدمت انقلاب هستم. وقتی می بینم که در کنار خون صدهزار شهید قرار گرفته ام احساس شرمندگی می کنم که شایستگی شهادت را نداشته و به همین مناسبت می خواهم دین خود را نسبت به انقلاب در هر سنگری که توانستم ادا کنم.

س - می گویند شما تاجر آهن هستید و میلیونر این همه پول را از کجا و چگونه به دست آورده اید؟

ج - من تاجر آهن هستم، ولی آنطور که می گویند میلیونر نیستم. من کاری که کرده ام همیشه در حد عدل و انصاف بوده است و افتخارم اینست که اگر سویی برده ام مال خود ندانسته ام و در حد یک زندگی متعادل و معمولی گذران کرده و می کنم. و هر چه بیش از این باشد باید صرف قفرا و ضمه شود از خدا می خواهم که همیشه مرا

در این نیت پایدار بدارد. روزی با مرحوم دکتر شریعتی گفتگو می کردم. گفتن در این شرایط و اوضاع غلط نظام اقتصادی وظیفه دینی و اجتماعی ما چیست؟ پایبند از سنگر کسب و کار کنار رویم که در آن صورت میدان پلانتازج به دست کانگسترهای اجنبی و بهائی ها خواهد افتاد، و پایبند با آگاهی از نظام فاسد اقتصادی به کار خود ادامه دهیم و میدان را به آنها وانگذاریم.

ایشان با همان لحن خاص خود گفتند: من اجازه نمی دهم که شما سنگر خود را خالی کنید. فقط توصیه می کنم که تلاش کنید و اضافه درآمد خود را در راه ملت خرج کنید. اگر شما مسلمانها سنگر را خالی کنید به دست دشمنان اسلام خواهد افتاد.

س - شایع است که برای خرید مؤسسه کیهان هشتصد میلیون تومان پول داده اید. این پول را از کجا آورده اید؟

ج - من چنین پولی نداده ام. آقای مصباح زاده مالک اولیه کیهان اینجا نیستند. وکیل ایشان معامله را انجام داد من تعهد مدیریت کردم تا دیون این موسسه را پرداخت کنم و سپس به یک شخصیت حقوقی تبدیل شود که کسی مالکشی نباشد و متعلق به مردم باشد. من تعهد پرداخت این دیون را کرده ام و هیچ پولی نپرداخته ام و میزان سرمایه و بدنی ها نیز تقریباً معلوم است.

س - این ارزش واقعی و میزان دیون چقدر است؟

ج - من نمی دانم رقم هشتصد میلیون تومان را از کجا آوردند و شایع کردند. آنچه کارشناسان قیمت گذاری کردند تمام ساختمانها و ماشین آلات کیهان قریب صد میلیون میلیون تومان قیمت دارد ولی بدنی های آن بیش از دو برابر این مبلغ است که بیشتر به بانکها و دولت بدهکار است.

س - پس چطور شما چنین چیزی را که حداقل دولت یعنی ملی باید باشد تحویل گرفتید؟

ج - گفتیم که من یک سرباز انقلابم. با این موسسه ناآشنا نبودم. دیدم که در حال حاضر اگر موسسه را دولت تحویل بگیرد بیش از صد میلیون تومان ضرر کرده است. من تحویل گرفتم تنها به وجود آوردن یک مدیریت متناسب دیون آن را به دولت بپردازم و از طرف دیگر مجبورا چند هزار نفر که از این دستگاه نان می خوردند، بیکار نشوند و تکلیفی برای آنان معین شود.

س - روش شما در مدیریت و کار چه خواهد بود؟

ج - اینجا یک موسسه بزرگ فرهنگی است. بعضی شریکانش تعطیل شده است چون با ادامه روش قدیم امکان انتشارش از نظر فنی و مالی نبود. روزنامه هم چندمجلسی است که ضرر می دهد. باید بررسیهایی به این کارها داده شود تا سایر شریکات وابسته هم تجدید حیات کنند.

س - چرا تعطیل شده اند و چرا ضرر می دهند؟

ج - می دانید که روزنامه ها در رژیم پیشین نوعی برتن اخبار بودند. در راه تحکیم قدرت دیکتاتوری و سرکوبی مردم. اقتصاد مصرف را هم حکومت وابسته چنان حاکم کرده بود که مملکت را به افلاس کشانید. سابقه مصرف از راه آکبهبای پشت زمانی و اشپله مصرقی و حتی آگهی برای تملق به رژیم، درآمد روزنامه ها و مجله ها را از راه آگهی زیاد کرده بود. حتی برای انتشار بیشتر خبرهای دولتی و رپورتاژهای دولتی پول به روزنامه ها و مجلات می پرداختند تا آنها را بیشتر در اختیار داشته باشند و تشویق به تملق بیشتر کنند. مجله ها نیز سراسر از عکسها و شرح عکسهای خلاف اخلاق و عفت پر بودند و با همین آگهی ها که تملق می شد.

تا خواننده هارا سرگرم و گمراه کنند و حکومت مشغول کار خودش باشد. همین درآمد زیاد و بی رويه کادر کارکنان مطبوعات را دچار تورم کرده است که باید برای آن فکری شود.

س - روش و جهت روزنامه چه خواهد بود.

ج - روش و جهت روزنامه و مجلات کیهان صدرصد در خدمت پیشبرد انقلاب اسلامی خواهد بود. این راه من بلکه اکثریت کارکنان و نویسندگان اینجا می خواهند.

س - با کارکنان و نویسندگان چگونه برخورد کردید؟

ج - ابتدا ناآشنائی بود و می گفتند که کار به جبهه گیری خواهد کشید، ولی وقتی صداقت و صراحت را در توضیح اوضاع دیدند، اکثریت بامن برادرانه برخورد کردند، چنانکه وقتی دست یکدیگر را می فشردم مثل دو برادر و وقتی گفتگو می کنیم مثل برادریم.

س - با کافر اضافی چه می کنید؟

ج - با خودشان حقایق را گفتیم که می دانستند. عده ای هستند که عملاً با موضع جدید کاری برایشان نیست. ناچار منصفانه باز خرید می کنیم و عده ای دیگر می مانند. کادری متناسب با کار که بتوانیم از زیر بار قرض درانیم.

س - هیچ مقاومتی در مقابل شما نیست؟

ج - مگر آنچه تملق را که می دیدید و گفتیم چه کسانی می نوشتند؟ البته آنها که دانسته و فهمیده در اختیار دستگاه بودند راضی نیستند. ولی خوشبختانه عده آنها کم است. آنها را هم باز خرید خواهیم کرد. اما در حال پیشنهاد کم کردن کادر را خود همکاران کیهان دادند چون بهترین راه عملی بود.

س - گفته می شود که روحانیون در هیئت تحریریه کار می کنند.

ج - من نمی فهمم چرا این همه حساسیت نسبت به روحانیت داریم. مگر رهبری انقلاب را روحانیون به عهده

نداشتند و به پیروزی نرسانند. همه کارها باید درست غیر روحانی باشد. تازه فقط یکطرفه بالیاس روحانیت در هیئت تحریریه هست که مقالات را برای انتشار انتخاب می کند یک روحانی که به چهار زبان زنده کاملاً آشناست. به روزنامه نگاری هم آشناست، انقلابی هم هست. حالا اگر جای ایشان کسی بنشیند که فقط لباس روحانی نداشته باشد ولی نه سواد کافی داشته باشد و نه به کار آشنا باشد بهتر است یا ایشان؟

در خاتمه باز برگردم به هشتصد میلیون، من معتقدم کسی که بتواند این مبلغ پول داشته باشد روحش فاسد است. من این موسسه را باعتبار و مدیریت خود می گردانم و کارش ادامه خواهد یافت تا وقتی که موفق به پرداخت قروض و دیون خود شد مال ملت باشد نه مال مصباح زاده.

والسلام

ترجمه: دکتر علی خواجوی از هراالد تریبون مورخه ۱۹ ژوئن ۱۹۷۹ نوشته جاناتان کندل

# انعکاس جنایات رژیم شاه در جهان

قصر که قبلاً زندانیان سیاسی شاه در آن بوده اند انجام میگیرد. جمعیت چند هزار نفری در جلوی درب آهنی بزرگ که بوسیله پاسداران مسلح محافظت میشود جمع میشوند از این میان به روزنامه نگاران و بستگان قربانیان اجازه ورود داده میشود. اینها و همچنین روحانیون هنگام ورود بشدت بازرسی میشوند.

تماشاچیان از محوطه ای عبور میکنند که در آنجا وسایل شکنجه که تا ماه فوریه گذشته که آیت الله روح الله خمینی قدرت را بدست گرفت مورد استفاده قرار میگرفت از قبیل زنجیر، دستبند، تخت های مخصوص لباس مخصوص شکنجه زندانیان و غیره. در مسجد مردها در یک سو و زنها که بیشترشان چادر سیاه پوشیده اند و تنها چشموهای آنها نمایانست در سوی دیگر نشسته اند.

دیوهای مسجد پر از عکس های شهدا است در پشت میز دادگاه سه قاضی یکتر از وزارت دادگستری و دو نفر دیگر از روحانیون نشسته اند.

اعترافات بازجوی سابق ساواک بهمن نادری پور معروف به عباس تهرانی در برابر دادگاه انقلاب میگوید هیچکس نمیداند شکنجه ها چقدر وحشتناک بود و بیان آنها چه دردناک. او خوب میداند در دوره چه چیزی سخن میگوید به اعتراف خودش او طول ۱۶ سال خدمت در ساواک، پلیس مخفی محمد رضا پهلوی مخلوع صدها نفر را شکنجه و ده ها نفر را کشته است.

پس از انقلاب ناگهانی و اسلامی ایران در حدود ۳۰۰ نفر، اکثراً با سابقه جنایاتی از قبیل جنایات عباس تهرانی محکوم و اعدام شده اند و تهرانی نیز بطور قطع در چند روز آینده اعدام خواهد شد. اما معاکمه این بازجوی سابق، حافظه شگفت انگیز وی در بیان جزئیات تشکیلات ساواک و روحیه وحشی و جانورگونه ای که پایه های سلطنت را تشکیل میداده جالب است.

تنها دفاع تهرانی این بود که اکثر قربانیان او مارکسیست های بیدینی بوده اند دادرسی در زندان



# سیاست ملی ایران با غرب ناسازگار نیست

## سیاست نفت و گاز و پتروشیمی ایران اصلاح شده و روشن و قابل دوام به نظر می رسد

ترجمه مسعود

هائی است که طی چندین هفته میان سازمان انرژی اتمی و دولت جریان دارد در آغاز ماه آوریل آقای سخایی رئیس سازمان انرژی اتمی قرارداد ساختمان دو نیروگاه ۹۰۰ مگاواتی فراماتم را مورد سؤال قرار می دهد زیرا عملیات پیشرفت چندانی ندارد وی همچنین اضافه میکند که کرافت ورک یونیون عملیات دو نیروگاه ۱۲۰۰ مگاواتی را در هلیله نزدیک پوشهر باتمام خواهد رسانید زیرا کارهای این دو نیروگاه تقریبا انجام شده است (عملیات یکی از این دو نیروگاه ۹۵ درصد دیگری ۷۵ درصد انجام گرفته است).

اما برنامه های هسته ای با وجودیکه به حداقل کاهش یافته اند باز هم مخالفین سرسخی دارد یکی از این مخالفین میگفت: چرا باید تعدادی متخصص تربیت کرد و زیر بنای خاصی برای این دو نیروگاه در نظر گرفت؟ ذخیره گاز کشور ما حدود ۲۰ میلیارد متر مکعب است و بخوبی میتوان از این ذخیره برای تولید برق استفاده کرد به علاوه با رفیق قیمت قرار داد کرافت ورک یونیون که در آغاز ۳/۸ میلیارد دلار بود امروز به ۹ میلیارد دلار رسیده است مخالفین این طرح را بر آن مدار که خرابساز لغو این و هرگونه برنامه ای باشند که به کشور لطمه مالی وارد میکند، ایران تا بحال ۲ میلیارد دلار به کرافت یونیون بابت این قرار داد پرداخته است و باید این مبلغ را کافی بداند. یکی از روزنامه های تهران در ۲۴ آوریل به طعنه نوشته بود: «از مراکز اتمی میتران بعنوان سیلوی عظیم گندم و یا حتی مساجد زیبا استفاده کرده. این روزنامه اعلام لغو تمام قرار دادهای اتمی را پیش بینی میکند در این شرایط مشارکت جمهوری اسلامی ایران در کارخانه غنی کردن اورانیوم اورودیف (۲) به کجا خواهد انجامید؟ رئیس کل بانک مرکزی تاکید نمود که: مشارکت در سرمایه گذاریهای خارجی بمنظور دستیابی به تکنولوژی انجام میگردد. این مشارکتها تنها در صورتی متوقف خواهند شد که ارزش اقتصادی و تکنولوژیک نداشته باشند. اگر از بلند پروزیهای اتمی سرفهتر شود مشارکت در اورودیف هم حتما متوقف خواهد شد.

پس روی از سیاست جدید در دیگر شاخه های صنعتی ولو بطور ناقص، زیاد هم آسان نیست. بعنوان مثال آقای بنی صدر قبل از انقلاب عقیده داشت که: هر تقسیم بین المللی کار، ایران توسط شرکتهای چند ملیتی در صنعت مونتاژ تخصص پیدا کرده است. ایران ۱۶ کارخانه مونتاژ اتومبیل دارد. اگر از واردات لوازم بدکی مالیات گرفته شود این کارخانه ها خود بخود بسته خواهند شد. بداند دولت مسئولیت کارخانه سازنده اتومبیل را بعهده میگردد بنابراین باید منتظر احیای کارخانه های سازنده اتومبیل خارجی میبودیم. اما ممنوعیت ورود اتومبیل و کامیون بمنظور جلوگیری از فرار سرمایه که در آخر آوریل اعلام شد تاثیر عکس داشت. زیرا صنعت اتومبیل طرف چند هفته ساخته نمیشود. پوز که قصد ساختن مدل ۳۰۵ در ایران را داشت از این برنامه منصرف شده است. رنو با ظرفیت ۱۵۰ اتومبیل در روز قصد توسعه کارخانه خود را دارد. ایران ناسیونال (کرایسلر) هم بمنظور کارخانه های مونتاژ اتومبیل روزهای درخشانی در پیش دارند. یکی از کارخانه داران در این رابطه میگفت: «ما باید سالانه ۵ میلیون صندلیه کلاچ تولید کنیم تا تولید ما قابل رقابت باشد. بنابراین مشکل است که صنایع بطور صد در صد جرابگری نیاز باشند»

۱. تنها حادثه تکنیکی که در آن تاریخ مشاهده شده توقف دستگاه «کراکر» پالایشگاه آبادان است که ظرفیت پالایش ۷۵ هزار بشکه را در روز دارد گفته شد که تعمیرات به خاطر تعمیرات ساده بوده است، اما یک مهندس جوان گفت که سرد شدن سریع دستگاه در دوران اعتصاب باعث شده که چند ماهی «کراکر» غیر قابل استفاده بماند.

۲. شعب شرکتهای مستقل نفت امریکائی و دولت هند که ۵۰ درصد سهم دارد در عوض قرار داد «الف» - «اکتین» در سنده که استخراج نفت را آغاز نموده طی موافقتنامه ای برای خدمات است و برای کوتاه مدت دست نخورده خواهد ماند.

۳. ایران توسط یک شرکت فرانسوی - ایرانی در صد سرمایه یک میلیارد فرانکی اورودیف را در دست دارد

دارند. آقای بلدیان رئیس شرکت ملی گاز در ۲۵ آوریل اظهار نمود که صدور گاز به شوروی وسیله خط لوله شماره ۱ گاز از سر گرفته شده و روزانه ۱۷ میلیون متر مکعب گاز به آن کشور صادر میشود. این رقم ۶۰ درصد میزان قبل از انقلاب بوده و قیمت آن نیز افزایش یافته است.

اما عملیات خط لوله شماره ۲ گاز متوقف شده است. این طرح قرار بود در سال ۱۹۸۱ خاتمه پذیرد و گاز مورد نیاز ۵ کشور اروپائی از جمله فرانسه را تامین نماید. آتش سوزی های ماه فوریه دفتر شرکت گاز را بکلی از بین برده است و این خود باعث میشود تا اعلام سیاست جدید گاز به تاخیر افتد. در محافل غربی گفته میشود که حداقل باید منتظر ۱۸ ماه تاخیر در کارها بوده.

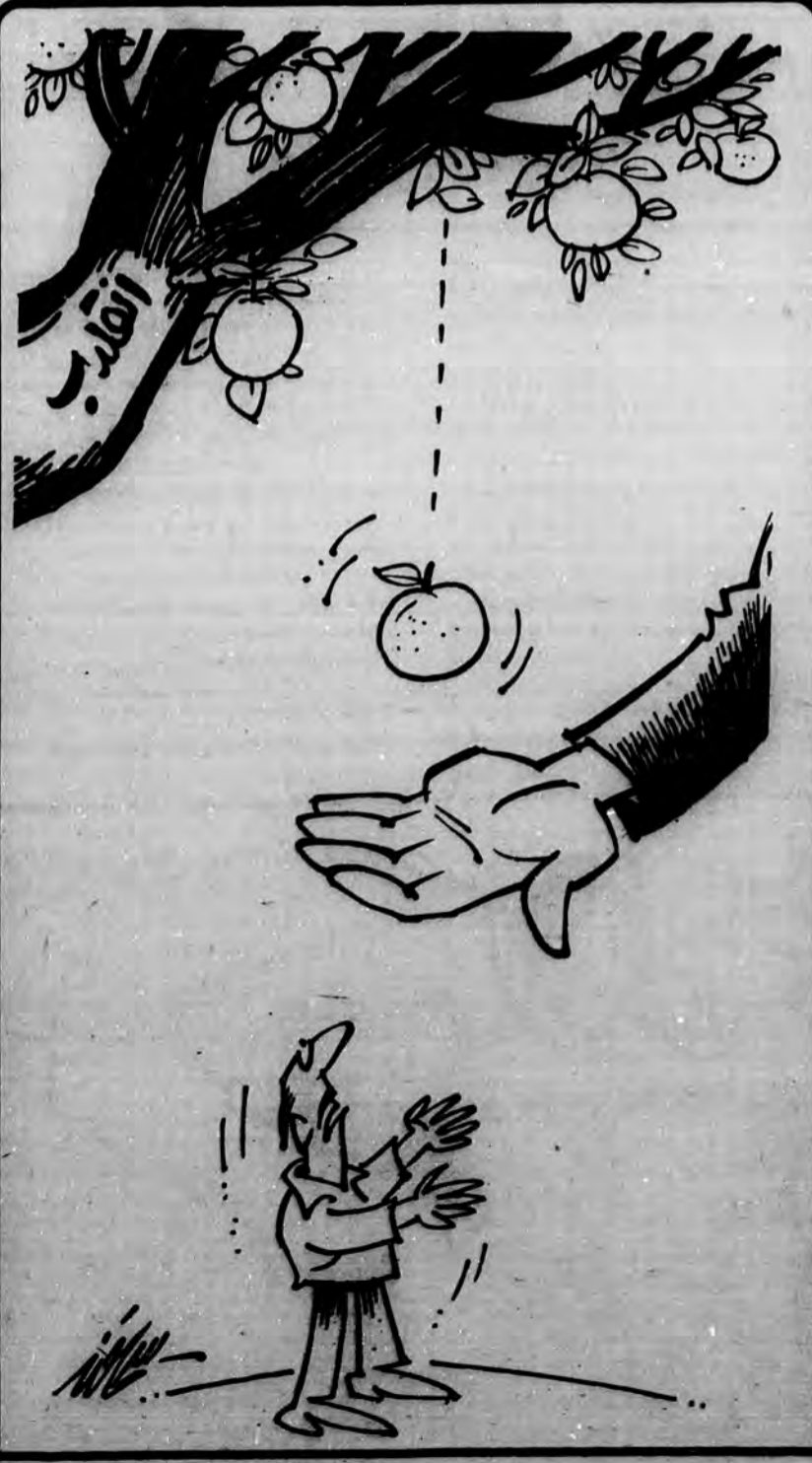
برنامه ساختمان کارخانه گاز مایع توسط ژاپن که قرار بود فرآورده های آن نیز توسط کشور سازنده کارخانه خریداری شود کاملاً متوقف شده است. اما افزایش قیمت نفت و گاز یکی از هدفهای اصلی رهبران اقتصادی کشور و همچنین کارگران صنعت نفت است. شرکتهای نفت، پتروشیمی و گاز اگر هم در یکدیگر ادغام نشوند شدیداً سیاست خود را همسان خواهند کرد.

ناسیونالیسم وعدم جاه طلبی همچنین راهگشای بحث وضعیت بخشهای دیگر مربوط به انرژی ابرام بیشتری

باین ترتیب امسال عایدی نفت ایران باید بین ۱۵ تا ۱۶ میلیارد دلار باشد. لغو قرار داد خرید اسلحه که طی دو سال اخیر نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار بده باعث میشود تا در آمد نفت بیشتر از قبل به توسعه اقتصادی کشور اختصاص داشته باشد. یکی دیگر از علامات ناسیونالیسم در حال تولد مذاکرات آینده ایران در مورد جلب مشارکتهای خارجی در صنعت پتروشیمی است که توسط آقای دکتر عابدی رئیس کل شرکت ملی پتروشیمی در ۱۷ آوریل اعلام گردید. مشارکت امریکو در جزیره خارگ، گودریچ در تولید اتیلن در آبادان، کابوت در کارخانه کاربن سیاه در اهواز و میتسوبیشی در مجموعه صنعتی سازنده مواد پلاستیک در بندر شاهپور همگی ادامه دارند.

### پایان بلندپروازیها

در عوض آقای دکتر عابدی تصریح نمودند که این تصمیم شامل اجرای طرح کارخانه اتیلن بندر شاهپور بطرفیت ۳۰۰ هزار تن در سال توسط میتسوبیشی نمیشود. ریاست شرکت ملی پتروشیمی تاکید نمود که سرمایه گذاری ۳/۳ میلیارد دلار برای یک کشور رقم زیادی بود. کارهای این طرح که ۸۵ درصد آن خاتمه یافته کاملاً متوقف شده است.



بسیاری از ایرانیان خوششان میآید که انقلاب ایران را با انقلاب ۱۷۸۸ فرانسه مقایسه کنند. یکی از اساتید دانشگاه اصفهان میگوید: «انقلاب ما جنبشی سیاسی واجتماعی اما بدون برنامه اقتصادی است. مملکت وقتی از یکی از مقامات مسرول وزارت اقتصاد و دارائی راجع به اصول انتخابی برای حل مسایل اقتصادی سؤال میکنیم وی عقیده دارد که بهرحال دو اصل غیر قابل تغییر خواهند بود وی میگوید: سیاست پیش از پیش ملی وبدون جاه طلبی خواهد بود».

یک کمیسیون برای اسلامی کردن کشور شکل گرفته است. در این رابطه آقای مولوی رئیس بانک مرکزی تاکید میکند که «بانک اسلامی تاسیس گردیده و باید منتظر نتایج مثبت آن باشیم».

آقای بنی صدر مشاور اقتصادی آیت الله خمینی هنگامیکه در نوفل لوشاتو بودند صلی کرن واقعی صنعت نفت راه اعلام نمود. انحلال کسرسیموم شامل ۱۴ شرکت نفتی بین المللی که تحت نام اسکو (کمپانی خدمات نفتی) بکار استخراج نفت ایران ادامه میدادند نشانه ای از این ناسیونالیسم جدید است. آقای موحد یکی از روسای شرکت نفت ایران پتروشیمی اظهار داشت: «مذاکراتی برای جمع بندی گذشته انجام خواهد گرفت اما به هیچ عنوان راجع به آینده نفت با این کمپانیا گفتگو نمیخواهد شد».

این کمپانیاها مساله را بخوبی درک کرده اند. به همین لحاظ کمپانی نفت انگلیس وشل در راس همه شتافته اند تا مانند شرکتهای کوچک نفتی ژاپنی قرار داد ساده خرید نفت خام را با ایران امضاء کنند.

در لندن مقر کسرسیموم خدا بیامرز میگفتند که بدون متخصصین خارجی تکسینهای ایرانی قادر نخواهند بود میزان تولید را از ۳ میلیون بشکه در روز بالاتر برند. اما میدانیم که تولید نفت ایران در یک هفته ماه آوریل (۱) بیش از ۴/۵ میلیون بشکه در روز بوده است.

### برنامه ریزی سه ساله

ستونهای گاز مشتمل، دوباره آسمان همیشه غبار آلود اهراز را روشن کرده اند. در ۲۴ آوریل در دومین واحد تولیدی نفت که به معادن اسماری وبنگستان اتصال ۴۶۰ هزار بشکه در روز ظرفیت دارد ۲۷۸ هزار بشکه نفت تولید شده است. آقای نزه رئیس فعلی شرکت نفت دیگر با شرکتهای بین المللی نفتی مذاکره نمیکند و در عوض با شورای انقلاب اسلامی صنعت نفت شهر اهراز بمذاکره می نشیند که مرکب از ۴۶ نماینده صنفهای مختلف حرفه ای هستند.

تعجب در اینجاست که حزب توده که مدعی نفوذ زیادی در صنعت نفت است در این شورا عضوی ندارد گفته میشود که فقط در پالایشگاه آبادان چندتن از اعضای قدیمی حزب توده بکار مشغولند. رهبران اعتصاب که در سقوط رژیم قبلی نقش عمده ای ایفا میکردند بیشتر به سازمان های چپ مستقل گرایش داشتند اما بعداً که روحانیون اوضاع را در دست گرفتند تاثیر آنها نیز کاهش یافت و در داخل شورا کمتر از ۱۵ درصد آرا را در دست دارند. اکثریت آرا با گرایش مذهبی طرفدار آیت الله است. این امر مانع نگرانی دولت مرکزی از اهمیت اقلیت عرب زبان خوزستان نمیشود که یک بخش مهم کارگران نیمه متخصص صنعت نفت را تشکیل میدهند. شورا علاوه بر بررسی مسائلی چون حقوق ومسکن میزان تولید و تعداد متخصصین خارجی مورد نیاز در آینده را نیز بررسی میکند. تولید نفت برای ۳ سال برنامه ریزی شده است و طبق آن میزان متوسط تولید ۴/۵ میلیون بشکه در روز خواهد بود. به این رقم ۷۰۰ هزار بشکه در روز افزوده میشود که مطابق قرار داد همکاری یا خدمات تولید خواهد شد. همکاریهای ۵۰۰۰۰ یوزی مورد بررسی قرار خواهد گرفت (۲)

شورای اسلامی عقیده دارد که «این میزان تولید نیازی به تکسینهای خارجی ندارد» و روسای شرکت نفت را نیز در اینصورت قانع کرده است. با این وجود شورا قبول کرده است که ۳۵ هزار تکسینهای خارجی دوباره بکار فرا خوانده شوند تا کارهای خطری اکتشافی و همچنین طرحهای بهره برداری مجدد از جاهها بوسیله تزریق گاز را که قبل از انقلاب آغاز کرده بودند باتمام رسانند. بسیاری از شرکتهای خدمات (مانند شلوهرگر برای تحلیل داده های معادن) میترانند سرعت فعالیتهای خود را از سر گیرند.